

از چوب تا صدا

● رامتین همایون

■ سه تار ساز
 ■ نوشته: جواد چایچی اصفهانی (با همکاری
 رضا عبداللهی)
 ■ تهران: نشر نی
 ■ ۵۵ + ۶۶ ص، مصور.



است. برای اکثر رشته‌های تخصصی موسیقی ایرانی هنوز کتابی نوشته نشده و همه مطالب تقریباً به صورت تجربی، کارگاهی و سینه به سینه انتقال داده می‌شود. در حالی که عمق و کیفیت مطالب و روش آموزش و تعالی هنرآموز اصلاً قابل مقایسه با آنچه در زمان قدیم انجام می‌شد، نیست. آن تجدیدنظر اساسی در حیات سنت هنری و هنر سنتی که می‌بایست جانمایه سنت قدیم را به هنر و زندگی امروزی جاری کند، انجام نشده است و اولین قدم‌ها را تازه داریم برمی‌داریم. کتاب «سه تار ساز» اثر استاد جواد چایچی اصفهانی (۱۳۷۲-۱۳۰۴) از اولین قدم‌هاست.

حاج سیدجواد چایچی اصفهانی فارغ‌التحصیل هنرستان صنعتی بود و در دوران تحصیل از درس مردان بزرگی نظیر لئون آقایان، علم‌دار، ضیاء و غلامرضا قربانی استفاده‌های شایان برد. او بیست و هفت سال صنایع چوب را در هنرستان تدریس می‌کرد. تخصص اصلی او در کارهای تزئینی چوبی بود و آثار زیبایی در مهمانسرای عباسی اصفهان، رستوران شهرزاد، رستوران عباسی در نیویورک و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و تهران و... دیده می‌شود. در واقع او ساختن سازهای ایرانی را دیر شروع کرد، یعنی از پنجاه و پنج سالگی، و این افتخار او را بس که چنین کاری را در چنان زمانی پی گرفت که از در و دیوار اصفهان، طعن و لعن و سرکوب و تمسخر به موسیقین و اهل موسیقی می‌بارید. سابقه هنری او در این کار کمتر از چهارده سال بود ولی زنده‌باد چایچی توانست در همین مدت کم، آثار متعدد و فووالعاده زیبایی (از لحاظ بصری) در صنعت سه تار سازی بیافریند. قضاوت درباره کیفیت صدای سه تارهای او برعهده استادان است و در این باره هیچ نظری صددرصد متقن و معتبر نیست، زیرا پسندیدن

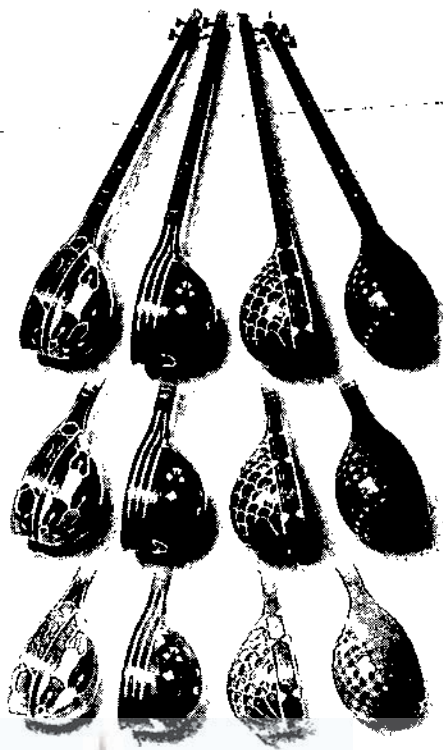
«استاد جواد چایچی» در سال ۱۳۰۴ ه.ش، در شهر اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدرسه صنعتی اصفهان به پایان رساند و پس از گذراندن رشته‌های مختلف صنایع مستظرفه چوبی نزد استادانی همچون: «لئون آقایان»، «علمدار»، «آقاضیاء» و «غلامرضا قربانی»، به مدت ۲۷ سال در همان مدرسه به تدریس صنایع مختلف چوبی پرداخت.

استاد چایچی در زمینه «چوب‌شناسی» تبحر ویژه‌ای داشت و انواع چوب‌های ایرانی و خارجی، معایب و طرز نگهداری آنها، خواص فیزیکی و شیمیایی چوب‌ها و نوع بهره برداری از آنها را می‌دانست. از جمله کارهای استاد که در حدود ۲۰ سال از عمر خود را صرف آن کرد طراحی و ساختن کارهای چوبی «هتل عباسی» اصفهان است. وی در سال ۱۳۵۹ بنا به علی کارهای قبلی خود را رها کرد و به پیشنهاد و راهنمایی «استاد سید حسین کسبایی» نوازنده بزرگ «نی» به ساختن سازهای ایرانی روی آورد و با الهام از کارهای استادانی چون «یحیی»، «عشقی»، «مهدی ناظمی» و... سازهایی ساخت که بخصوص از نظر شکل ظاهری، بی‌نظیر و منحصر به فرد است. و درست در زمانی که هنر او به اوج پختگی و کمال خود رسیده بود در تاریخ ۷۲/۶/۲۳ در زادگاه خود، دعوت حق را لبیک گفت.

قدیمی آن زندگی نمی‌کند و شکل تازه‌ای را می‌خواهد. تعالی و ارج آن شکل جدید به ما و به تلاشی که می‌کنیم وابسته است. قدر مسلم این است که از این به بعد می‌بایست به همه جنبه‌های آن از بیرون نگاه کنیم و این زاویه دید را داشته باشیم. از همین جاست که نیاز به بسیاری کارها پیش می‌آید. دستورهای آموزشی مدون می‌شوند، آثار قدما و معاصرین ثبت و ضبط و حفظ می‌شوند، جریان نقد و انتقاد پیش می‌آید و متون تحلیلی درباره آن نوشته می‌شود. همه این پدیده‌ها و رویدادها از آن هنگام شروع می‌شود که فاصله تاریخی با سنت پیش می‌آید و می‌بایست شکل دیگری برای ادامه حیات آن در نظر گرفت. شکلی که نه منطبق با شکل قدیم است و نه منفک از آن؛ بلکه عناصر خاص و چهارچوب‌های اساسی آن را حفظ کرده و با درک درست از بحران‌های زمانه ادامه حیات می‌دهد.

فرهنگ مکتوب در موسیقی ایران، سابقه زمانی زیادی ندارد. از چاپ اولین کتاب‌های درسی موسیقی ایرانی به زبان فارسی هنوز هشتاد سال هم نگذشته

هنگامی که در جامعه‌ای، جریان سنتی هنر و فرهنگ و... هر آنچه مربوط به آن می‌شود، به طور طبیعی پیش می‌رود، هنرمند در متن و در بطن سنت است و با آن زندگی می‌کند. بعد از آنکه سیر قهری جامعه از آن جریان طبیعی فاصله می‌گیرد، دیگر آن هنر و شعب مربوط به آن در متن زندگی نیست، و خارج از زندگی هم نیست. در ما ریشه و حیات دارد ولی شکل



که در غالب سازها تنها یک روی چوب رنگ می شود و روی دیگر آن و چسب اتصالاتها همواره در معرض هوا و رطوبت است. شاید این حکم که در آلات موسیقی ایرانی نباید از مواد مصنوعی استفاده کرد موجب شود که اهل نظر، نویسنده این سطور را واپس گرا، بی اعتقاد به پیشرفت های علمی و فنی و فاقد جسارت در کار و استنتاج های عقلی تصور کنند، اما چنین نیست. من تنها عدول بی قاعده و لگام گسیخته و تغییرات دلخواه در کار قدما را به سادگی نمی پذیرم» (ص ۲) و می افزاید: «منابع و مأخذی که می تواند مشخصات سازهای ایرانی را به دست دهد، بسیار محدود است و از همین رو گاهی یک سطر در کتابی می تواند در زمینه ساخت و خصوصاً اصطلاحات فنی بسیار سودمند باشد. با این همه به رغم کوششی که کرده ام در برخی موارد اصطلاحات مناسبی برای کلیه اجزای تشکیل دهنده ساز به دست نیآورده ام و از سویی دیگر برخی از اصطلاحات عامیانه مانند «خرک» و «شیطانک» - با آن که به خوبی روشن است که مراد چیست - آن چنان که باید دلچسب و در محضر ادبا (!؟) پسندیده نیستند. شاید اصطلاح «سیمپا» به جای خرک و اصطلاح «سیمبر» برای شیطانک مناسب تر باشد. نخستین باری که اصطلاحی به کار برده می شود صورت های مختلف آن در کنار هم و گاد با توضیحی در پانویس به دست داده شده و از آن پس از میان اصطلاحاتی که در متون کهن فارسی به کار رفته و با سلیقه نویسنده بیشتر سازگار بوده، به کار برده شده است، نویسنده نخواسته در این قبیل موارد که اهلیت آن را ندارد، نوآوری کند.

کتاب «سه تارساز» شامل پانزده بخش است. بعد از پیشگفتار، فصولی با عنوان های تاریخچه سه تار، اجزای تشکیل دهنده سه تار، مواد اولیه مورد نیاز برای ساخت سه تار و ابزار کار برای ساخت سه تار را می خوانیم و بعد از آن، ده مرحله برای ساخت سه تار که با عکس های روشن و گویا همراه شده اند برای اولین بار، الگوی بزرگ سه تارسازی (کمابیش شبیه الگوهای خیاطی داخل مجلات) هم ضمیمه کتاب شده و جنبه دستورالعمل بودن آن را تکمیل کرده است. اگر چه روانشاد چایچی بیشتر به تزئین ها و ظرافت ها و خوش نقش بودن ظاهر سه تار توجه داشت تا به صدایی که از آن درمی آید، با این حال سه تارهای خوش صدای او هم تعداد کمی نیستند. صدای خوب، آخرین و مهم ترین مؤلفه در ساخت یک ابزار موسیقی است و فوت و فنی دازد که چندان هم قابل انتقال روی کاغذ نیست و چه بسا که آنقدر ظریف و شخصی و تجربی است که حتی آموزش آن هم مشکل است. با این حال، هنرجویی که بخواهد ساز سازی را از مرحله نجاری آغاز کند و به مرحله نوازندگی برساند، یعنی در سیری که از چوب تا صدا می رسد، نیازمند آموختن مقدمات کار است و زحمات های استاد زنده یاد جواد چایچی در این مرحله دارای نقش مهم و اساسی است.

فسرچ اله، حاج محمدکریم خان، سیدجلال) معرفی شده اند. از زندگی و آثار یکی دو تن استادان قدیمی مانند آقاگلی هایراییطیان و استاد ملکم (از ارامنه اصفهان) که تا این اواخر زنده بوده اند متأسفانه هیچ در دست نیست. به نظر می رسد نویسنده کتاب «سه تارساز» به یک میانگین معقول و منطقی در بررسی فنی سه تارهای مورد نظر رسیده و برآیندی از تمام تجربیات خود را در نوشته ها و الگوهایی که داده، ارائه کرده است. از این لحاظ، کتاب «سه تارساز» واجد ارزش و اهمیت است و نه تنها سه تارسازان، بلکه دیگر علاقمندان کارهای فنی و صنعتی مربوط به هنر نیز می بایست آن را با دقت بخوانند و تقد کنند. زنده یاد چایچی در متد و شیوایی که در کتاب نوشته این حقیقت روشن تر از آفتاب را بازگو می کند: «باور دارم که چوب ها به نوعی جان دارند و آن چوبی که جان ندارد، پوسیده و در حال زوال است. چوبی را که برای ساخت آلات موسیقی به کار می برم هرگز با ابزارهای مکانیکی چون اره و رنده برقی فرم نمی دهم. ابزار مکانیکی آوندهای زنده و سالم چوب را مضمحل می کند و چکش و فشار زیاده از حد گیره دستی، استخوان آن را درهم می شکند و چون ساخته شود با هر زخمه به جای آن که صدای آن طرب انگیز باشد ناله چوب، طرب را می شکند. در ساخت آلات موسیقی جایی برای مواد و مصالح مصنوعی و شیمیایی از قبیل چسب و رنگ و روغن وجود ندارد و روی هم رفته کلیه موادی که در ساخت آنها به کار می رود، باید طبیعی باشد. چسب های شیمیایی با آن که استحکام لازم را دارند دوام کافی ندارند و در طول زمان بر حسب طبیعت خود با هوا ترکیب می شوند و به بافت چوب زیان می رسانند. پرهیز از مواد شیمیایی در آلات موسیقی از آنجا ناشی می شود

«صدا» تا حد زیادی بسته به سلیقه فردی و حس و حال و برداشت شخصی نوازنده از «صدا» می مورد نظر است و به تعداد سلیقه ها، صداهای مختلف وجود دارد. مسلم اینکه استاد جواد چایچی مورد احترام و علاقه استادان موسیقی در اصفهان بود و تا جایی که در یاد مانده، مراسم تجلیل فوق العاده ای به کوشش حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (واحد موسیقی) برای ایشان در زادگاهش برپا شد.

«سه تارساز» اولین کتابی است که به زبان فارسی درباره روش ساختن و پرداختن یک ساز ایرانی نوشته و منتشر شده است. زنده یاد جواد چایچی چاپ این کتاب را در زمان حیات ندید و اکنون از کتاب های پرفروشی است که تا به حال چندین بار به چاپ مجدد رسیده است. نویسنده به درستی می گوید: منابع و مأخذ مکتوب آگاهی چندانی درباره مشخصات فیزیکی، چگونگی ساخت، اندازه ها و نوع مصالحی که در ساخت سه تار به کار برده می شود، به دست نمی دهد. در حالی که سازهای دست ساخت استادان گذشته، هر یک آگاهی های انبوهی در این زمینه ها یک جا در اختیار می گذارد. نویسنده برای گردآوری و تهیه نقشه ها و اندازه های این گونه سازها رنج فراوان برده است و تدقیق نسبی خود را مرهون عنایت و توجه خاص استاد جلیل شهناز، استاد احمد عبادی، استاد حسن کسایی و علی کیوان می داند: «بخش مهمی از طرح ها، نقشه ها و اندازه هایی که در این کتاب به دست داده شده است، از روی سه تارهای استاد عبادی تهیه شده است که با نهایت لطف و بزرگواری اجازه داده اند اندازه های آنها را یادداشت و نقشه برداری کنم... در میان سازهای زیبا و خوش صدایی که موفق شده ام نقشه ها و اندازه های آنها را در صفحات کتاب حاضر به دست بدهم، بعضی به دست توانای استادان نامی و مشهور ساخته شده و برخی نیز ساخت دست های هنرمندانی است ناشناخته که بر ساز خود مهر و علامتی نزنده اند، برای اینکه شناخته نشوند. سازهای مذکور به خوبی نشان می دهند که ساززنده آنها استادی ماهر و آگاه به اصول فن نجاری و بی اطلاع از علم موسیقی نبوده است. اگر سازندگان این گونه سازها، ثبت نام خود را به تسامح نگذرانده باشند، به یقین در روزگاری می زیسته اند که ساختن آلات موسیقی، مطلوب اوضاع اجتماعی حاکم نبوده است» (ص ۳-۴). نمونه سازهایی که به دست استادان فن ساخته شده و هر یک توانسته الگوی مناسبی برای ساختن سه تار باشد (از لحاظ ظرافت، زیبایی، خوش صدایی، شیوه ساخت و مصالح آنها)، سازهایی هستند که متعلق به استادان گذشته و حال بوده و با نام های صفایی، حاج طاهر، مختاری، مفتاح السلطان (ابوالقاسم اعتمادی معروف به مفتاح آهنگ)، نریمان آبنوسی، مختاری و عشقی شناخته می شوند و سازهایی که ساززنده آنها معلوم نیست، به نام صاحبان شان (میرزا عبدالله، تاج اصفهانی، احمد عبادی، ابوالحسن صبا، استاد